

# تعیین نوع رابطه موجود بین جنین های آزمایشگاهی و زوجین و تعیین صاحب اختیار آنان

نازیلا تقوی<sup>۱</sup>، دکتر سید محمد اسدی نژاد<sup>۲\*</sup>، رضا عمانی سامانی<sup>۳</sup>،  
دکتر عبادالله رستمی<sup>۴</sup>

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران.
۲. استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران.
۳. دانشجوی دکترای تخصصی اخلاق پزشکی، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۴. دانشجوی دکترای تخصصی اخلاق پزشکی، مرکز تحقیقات اپیدمیولوژی باروری، پژوهشگاه رویان، جهاد دانشگاهی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۴/۴

## خلاصه

**مقدمه:** تبیین نوع رابطه موجود بین جنین های آزمایشگاهی و صاحبان آن ها به لحاظ تعیین حدود حقوق زوجین در خصوص جنین های آزمایشگاهی، حائز اهمیت می باشد. همچنین با تعیین صاحب اختیار آن ها مشخص می شود که تصمیم چه کسی در خصوص جنین ها معتبر است، لذا مطالعه حاضر با هدف تعیین نوع رابطه موجود بین جنین های آزمایشگاهی و زوجین و تعیین صاحب اختیار آنان انجام شد.

**روش کار:** مطالعه حاضر به روش توصیفی تحلیلی و کتابخانه ای انجام شد. در این مطالعه نظرات فقها در خصوص نوع رابطه موجود بین جنین ها و زوجین و تعیین صاحب اختیار آن ها مورد بررسی قرار گرفت و نظریاتی که در دنیا در خصوص اینکه صاحب اختیار واقعی جنین ها کیست، بررسی شد. تقریباً هر نوع منبع کتابخانه ای فارسی و لاتین که در خصوص با موضوع این نوشتار بود، مورد بررسی قرار گرفت و با مطالعه کتب، مقالات، قوانین و دستور العمل ها در حقوق داخلی و خارجی نتیجه گیری شد.

**یافته ها:** برخی قائل به رابطه مالکیت بین جنین ها و انسان هستند. برای تحقق رابطه مالکیت سه شرط لازم است که شامل انحصاری بودن، مطلق و دائمی بودن است که جمع این شرایط در این رابطه منتفی است. گروهی جنین ها را متعلق به پدر می دانند. عده ای نیز بر اساس تئوری کار، به این جهت که در فرآیند لقاح آزمایشگاهی، زن در معرض خطرات و دردهای فراوانی قرار می گیرد، مادر را صاحب آنان تلقی می کنند. اقلیتی نیز نگاه اقتصادی به جنین داشته و آن را متعلق به زوجی قلمداد می کند که بیش ترین منفعت را از استفاده از جنین به دست می آورد. در نهایت برخی نیز آنان را متعلق به هردوی زوجین محسوب می کنند.

**نتیجه گیری:** نوعی رابطه سلطه و تصرف غیر مالی بین انسان و جنین برقرار می باشد و با توجه به دخالت هر دو سلول جنسی زن و مرد در تشکیل جنین، باید قائل به اختصاص جنین متشکل از آن ها به هر دو شد.

**کلمات کلیدی:** تصرف غیر مالی، جنین آزمایشگاهی، رابطه مالکیت، زوجین، صاحب اختیار، مالک

\* نویسنده مسئول مکاتبات: دکتر سید محمد اسدی نژاد؛ دانشکده علوم انسانی، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران. تلفن: ۰۱۳-۳۳۳۲۳۷۷۲؛ پست الکترونیک:

asadinezhad@guilan.ac.ir

## مقدمه

در رابطه با ماهیت جنین های آزمایشگاهی اختلاف نظر وجود دارد. عده ای آن را مال قلمداد کرده، برخی از آن به عنوان انسان یاد می کنند و اقلیتی نیز آن را در زمره گروه جدیدی به نام شبه مال قرار می دهند. تبیین نوع رابطه انسان با جنین های آزمایشگاهی حائز اهمیت می باشد؛ چرا که منجر به روشن شدن وجود حق یا عدم آن نسبت به جنین های آزمایشگاهی برای صاحب اختیار آنان در انجام اعمال حقوقی می شود. همچنین تعیین صاحب اختیار آنان نیز دارای اهمیت می باشد؛ چرا که مشخص می شود در صورت فوت، طلاق، بروز اختلاف، تصمیم به از بین بردن یا انتقال آن به شخص دیگر توسط یکی از زوجین و مخالفت طرف دیگر و مسائلی از این قبیل، تصمیم چه کسی تعیین کننده می باشد.

در خصوص موضوع نوشتار مذکور تا به حال مطالعه علمی جامعی صورت نپذیرفته است و صرفاً مطالب پراکنده و جزئی در این خصوص وجود دارد، لذا مطالعه حاضر با هدف تعیین نوع رابطه موجود بین جنین های آزمایشگاهی و زوجین و تعیین صاحب اختیار آنان انجام شد.

## روش کار

مطالعه حاضر به روش توصیفی تحلیلی و کتابخانه ای انجام شد. با توجه به این که فقه اسلامی در تعیین وضعیت مواردی که در آن ها سکوت قانونی وجود دارد (همانند موضوع این نوشتار)، تعیین کننده می باشد، نظرات فقها در خصوص نوع رابطه موجود بین جنین ها و زوجین و تعیین صاحب اختیار آن ها مورد بررسی قرار گرفت. همچنین با توجه به اهمیت موضوع، در خصوص این مسئله که صاحب اختیار واقعی جنین ها چه کسی است و چه نظریاتی در این رابطه وجود دارد مورد بررسی قرار گرفت. تقریباً هر نوع منبع کتابخانه ای که در خصوص با موضوع این نوشتار بود یعنی کتب فارسی از سال ۱۳۱۳ تا سال ۱۳۹۲، مقالات فارسی از سال ۱۳۸۶ تا سال ۱۳۹۱، کتب عربی از سال ۱۴۰۵ تا سال ۱۴۱۳ و مقالات انگلیسی از سال ۲۰۰۲ تا سال

۲۰۰۹، مورد بررسی قرار گرفت و با مطالعه کتب، مقالات، قوانین و دستور العمل ها در حقوق داخلی و خارجی نتیجه بیان شده در این مقاله به دست آمد.

## یافته ها

با توجه به مطالعات انجام شده مشخص شد که رابطه زوجین و جنین های آزمایشگاهی را باید نوعی رابطه سلطه و تصرف غیر مالی در نظر گرفت؛ چرا که پذیرش رابطه مالکیت منجر به وجود نوعی تصور کالاشدگی نسبت به آنان می شود. البته در اعمال این نوع رابطه نیز باید حدود نظم عمومی و اخلاق حسنه را مدنظر قرار داد. همچنین با توجه به این که جنین متشکل از سلول جنسی هر دوی زوجین می باشد، باید آن را متعلق به هر دو زوجین قلمداد نمود.

## بحث

در خصوص نوع رابطه انسان با جنین های آزمایشگاهی بحثی وجود ندارد، اما با توجه به این که این جنین ها، حاصل ترکیب منفعت اندام جنسی زوجین می باشند، می توان از همان رابطه ای که برای انسان و اعضای بدنش وجود دارد، استفاده کرد و آن را در خصوص جنین های آزمایشگاهی جاری دانست. به همین لحاظ، ابتدا به بیان نوع رابطه انسان با اندامش پرداخته می شود و در قسمت بعد صاحب اختیار جنین های منجمد معین می شود.

### رابطه موجود میان انسان و اندام او

قانونگذار ایران مستقیماً به نوع رابطه انسان با اعضای بدن خود از جمله مالکیت و یا عدم مالکیت و مالیت داشتن اعضا نپرداخته است. در خصوص نوع رابطه انسان با اعضای بدن خویش، نظرات مختلفی از سوی فقها و حقوق دانان ارائه شده است که در ذیل به آن ها پرداخته می شود.

### ۱. رابطه امانی

برخی فقها معتقدند که خداوند مالک اعضای بدن انسان می باشد و انسان به مثابه امانت دار ملک خداوند است و هیچ گونه مالکیتی اعم از منفعت و یا به صورت مشاع برای وی قائل نیستند و حتی کسانی را که تفکر آن ها

مالکیتی است نه امانی، طبق آیات کلام وحی (قصص/ ۷۸-۷۷)، دارای فرهنگ قارونی می دانند (۱).

گفته شده خداوند هر آنچه از ملک خود را که به دیگران تملیک می کند، در عین اعطای مالکیت نیایی دیگران، در تملیک به غیر، مالکیت خود را باطل نمی سازد. نظریه مزبور با اشکال مواجه است؛ چراکه این امر، مغایر با آزادی و اختیار انسان است و انسان را تبدیل به محافظی برای جسم و روح می کند. علاوه بر آن، ما مجاز به تصرف در اعضای بدن خود در حدود شرعی هستیم، حال آنکه امین حق تصرف، غیر از جهت حفاظت را ندارد.

## ۲. رابطه مالکانه

برخی فقها معتقدند، رابطه انسان بر بدن و اعضایش به نحو مالکانه می باشد (۲، ۳). در خصوص مالکیت انسان نسبت به اعضای بدن خود، نظرات مختلفی وجود دارد که شامل مالکیت حقیقی، تکوینی، اعتباری و ذاتی می باشد. در ذیل به نحو اجمالی به تبیین این مفاهیم پرداخته می شود.

### الف: مالکیت حقیقی

مالکیت حقیقی همان سلطنت تام است؛ به گونه ای که تمام تصرفات در آن چیز به مالک اختصاص پیدا می کند. مالکیت خداوند نسبت به مخلوقات از جمله این مالکیت است (۴). البته از آنجایی که انسان چنین سلطنت تامی بر اعضای خود ندارد و ایجاد و بقای اعضای بدن وی وابسته و قائم به ذات او نیست، چنین رابطه ای بین انسان و اعضای بدنش وجود ندارد (۵).

### ب: مالکیت تکوینی

علامه طباطبایی معتقدند برخی چیزها وجودشان قائم به فرد است؛ به این معنا که جدا از فرد، هستی ندارند، بنابراین ملک او محسوب می شوند و بیان کردند ما به علت سلطه تکوینی که بر بدن خود داریم، مالک آن ها هستیم (۶). اما نمی توان این نوع مالکیت را برای اعضاء و جوارح قائل شد زیرا مالکیت تکوینی، مالکیت بی قید و شرط می باشد و مالک حق هرگونه تصرف در مملوک خود را دارد، در حالی که انسان از ایراد جرح و ضرر شدید به بدن خود ممنوع است. از طرف دیگر، مالکیت تکوینی در گرو آفرینش است و انسان با وجود تمام

پیشرفت ها در علوم مختلف قادر به آفرینش موجودی از عدم نخواهد بود (۷).

## ج: مالکیت اعتباری (تشریحی)

برخی قائل به وجود رابطه مالکیت اعتباری هستند. این مالکیت به این معناست که از جانب شارع مقدس یا عرف، مالکیتی برای فرد اعتبار شده است و کسی هم حق مزاحمت نسبت به این حق را ندارد. از آنجایی که ملکیت انسان، امر عقلانی است که مورد نهی و رد شارع قرار نگرفته است، پس این ملکیت، موافق شریعت نیز هست (۷). مثلاً حرمت استفاده از خون در گذشته به علت بی فایده بودن آن بوده است، اما چون امروزه، بهره برداری از آن منجر به اعطای زندگی است، عرف هم برای آن، مالکیتی را اعتبار کرده است.

با وجود این، جهت ایجاد حق مالکیت اعتباری نسبت به چیزی، احتیاج به اسباب و علل است. ماده ۱۴۰ قانون مدنی ایران نیز اسباب تملک را بر شمرده است که شامل:

- ۱- احیاء اراضی موات؛ روشن است این تملک مخصوص زمین است و اعضای بدن خارج از حیطه موضوع می باشد.
- ۲- حیازت اشیا مباحه؛ این سبب منجر به مالکیت ابتدایی شخص بر شی می شود و بر اثر آن شخص بر آن سلطه پیدا می کند (۸). اعضای بدن انسان هم داخل در موضوع مباحات نمی باشد و لذا به وسیله این سبب نیز نمی توان آن را تملک کرد.
- ۳- عقود و تعهدات؛ در مواردی که عقدی بسته می شود اگر معوض باشد، فرد ملکیت خود را نسبت به موضوع قرارداد در مقابل عوض سلب می کند و در صورت غیر معوض بودن نیز، بدون دریافت عوض ملکیت خود را سلب می کند. بنابراین عقود و تعهدات هم نمی توانند سبب مناسبی برای اثبات مالکیت انسان بر اعضایش باشد.
- ۳- با توجه به تعریف حق شفعه و شرایط آن و ارث که منجر به انتقال قهری مالکیت می شود، روشن است که این اسباب هم نمی توانند منجر به اثبات مالکیت انسان نسبت به اعضایش شوند. بنابراین مالکیت اعتباری، نمی تواند برای اثبات مالکیت انسان مورد استناد قرار بگیرد (۵).

## د: مالکیت ذاتی

در تعریف این نوع مالکیت گفته شده: «حقی است دائمی که به موجب آن، شخص می تواند حدود تصرفات در مالی را به خود اختصاص دهد و از تمام منافع آن استفاده کند» (۴).

برخی حقوقدانان مالکیت انسان بر اعضای بدن خود را از بارزترین مصادیق مالکیت ذاتی دانسته اند، زیرا آنچه که برای رسیدن به ملکیت لازم می دانند، تصرف اختصاصی نسبت به آن است (۹).

مالکیت ذاتی، نسبتی تکوینی است، به این معنا که تحقق آن به سبب خارجی و یا اعتباری که از سوی شخص یا گروهی اعتبار می شود، نیازی ندارد (۱۰). از آنجایی که اعضای بدن انسان بدون نیاز به سبب خارجی یا اعتباری، این نوع مالکیت را که در واقع همان سلطنت انسان بر بدن است، برای او ایجاد می کند، لذا می توان نتیجه گرفت که رابطه بین انسان و اعضای بدنش از نوع مالکیت ذاتی است. از طرف دیگر، دلالت وجدان و سیره عقلا نیز مؤید چنین سلطنتی می باشد. همچنین حمایت از شخصیت جسمی انسان، نشان دهنده محترم بودن این سلطه و استیلا نزد قانونگذار می باشد، چرا که ایراد صدمه و آسیب و تعرض جنسی، منجر به مسئولیت کیفری و حقوقی فرد می شود (۱۱).

بنابراین می توان نتیجه گرفت که مالکیت انسان بر اعضایش، رابطه سلطه یا حق دائمی است که بین انسان و اعضای وی مقرر شده و قانونگذار آن را معتبر شناخته است و شخص به موجب چنین حقی، می تواند در حدود قوانین، تصرف در اعضایش را به خود اختصاص دهد، به گونه ای که از تمام منافع ممکن آن استفاده کند (۵).

## ۳. رابطه سلطه و تصرف

برخی معتقدند سلطه انسان بر پیکر خود از نوع سلطنت است. «گاهی در مواردی سلطنت معتبر می باشد، ولی عنوان حق و ملک صادق نیست. تسلط مردم بر نفوسشان از این قبیل است. پس همانطور که مردم بر اموال خود تسلط دارند، بر نفس خویشان نیز مسلط هستند و در صورت عدم وجود منع قانونی از سوی عقلا

و عدم وجود منع شرعی نزد متشرعه، حق هرگونه تصرفی را خواهند داشت» (۱۲).

همچنین آیات «البنی اولى با المؤمنین فی انفسهم» (احزاب/ ۶)، «سخر لکم ما فی السموات و الارض»، متضمن جواز تصرف ماست. روایت «الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم» نیز دلیل دیگر بر این ادعاست.

## ۴. نظر برگزیده

در حقوق اسلام، سه ویژگی برای مالکیت آمده است: الف- مطلق بودن: به این معنا که مالک حق هرگونه استفاده مشروع که از نظر عقلا، معقول باشد را دارد.

ب- انحصاری بودن: یعنی فقط مالک و افراد مأذون از طرف او، حق بهره برداری از مال او را دارند. ج- دائمی بودن: یعنی فرد تا زمانی که مالک آن مال است، حق استفاده از آن را دارد (۱۳). برخی قائلند که رابطه موجود بین جنین ها و انسان از نوع رابطه مالکانه می باشد؛ چرا که اگر من برده نیستم، هیچ فرد دیگری مالک بدن من نیست. در نتیجه، من باید مالک اعمال خود از جمله آن هایی باشم که دارایی طبیعی، آن را ایجاد کرده است و افزون می نماید. پس من مالک دارایی های طبیعی و پیشرفت هایی مانند جنین هستم که به وجود می آورم (۱۴).

با توجه به مطالب فوق، نمی توان قائل به وجود رابطه مالکیت بین جنین های آزمایشگاهی و صاحبان آن شد؛ چراکه ملاک های تعیین شده جهت وجود رابطه مالکانه بین آن ها و صاحبانشان مقرر نمی باشد. به این معنا که شاید رابطه جنین ها و صاحبانشان را بتوان انحصاری و مطلق تلقی نمود، ولی وجود معیار مطلق بودن به هیچ وجه در این رابطه محقق نمی باشد. قائل بودن به وجود رابطه مالکیت و به دنبال آن پذیرش ارتباط مطلق و همه جانبه صاحبان با جنین با توجه به قابلیت بالقوه جنین ها در تبدیل شدن به انسان امری است که خلاف اخلاق حسنه می باشد. باید رابطه جنین های آزمایشگاهی و انسان را نوعی رابطه سلطه و تصرف تلقی کرد. البته رابطه سلطه و تصرفی غیر مالی، تا قابلیت بالقوه جنین آزمایشگاهی در تبدیل شدن با انسان قابل جمع باشد. در واقع، پذیرش رابطه مالکیت بین جنین ها و انسان، این تالی فاسد را دارد که ممکن

است منجر به تصور کالا شدگی جنین شود، در حالی که با پذیرش وجود رابطه سلطه و تصریف غیر مالی انسان با آن‌ها، می‌توان از تصور کالا شدگی‌شان اجتناب نمود. به علاوه، پذیرش سلطه غیر مالی زوجین بر جنین‌های آزمایشگاهی منجر به محدود شدن اختیارات صاحبانشان نیز می‌شود.

وجود این رابطه به این معنی است که زوجین قانوناً می‌توانند در خصوص ایجاد، فریز، انتقال، از بین بردن، استفاده از آن در تحقیق و یا قرار دادن آن در رحم تصمیم‌گیری کنند. در واقع رابطه سلطه و تصرف، در چهارچوب اخلاق حسنه و نظم عمومی قرار دارد. لازم به ذکر است که انتقال جنین در قالب اهداء که در قانون ما صورت قانونی به خود گرفته است، به معنی رابطه مالکانه نمی‌باشد. قانونگذار صرفاً بنا به مصالحی چون عدم از هم پاشیدگی خانواده دریافت‌کننده، چنین امری را جایز قلمداد کرده است و این امر مغایرتی با کرامت انسانی ندارد، بلکه برعکس، انتقال آن‌ها از اشخاصی که تمایل به داشتن آن ندارند، به اشخاصی که ارزش فوق‌العاده‌ای برای آن قائل هستند، کرامت بخشیدن به آن‌هاست. زمانی کرامت انسانی نقض می‌شود که بازار کلیه فروشی یا جنین فروشی باز شود و یا به طور حرفه‌ای به تهیه‌کنندگان این مواد انسان‌ساز تبدیل شوند. در واقع، نظم عمومی نمی‌پذیرد که افراد با اهداف تجاری دست به این کار بزنند یا نهادهایی را به قصد تجارت این کار تسهیل کنند. بنابراین اعمال حق انسان بر جنین خویش، باید با ملاحظه عرف و اخلاق صورت پذیرد و قانون‌گذار ایران بر اساس مصلحت و جلوگیری از آثار سوء عدم امکان باروری انتقال آن را در قالب اهداء پذیرفته است. فقط باید این قضیه را در نظر داشت که اهدای جنین باعث نسل‌کشی انسان‌هایی با گزینش ژنتیکی خاص نشود. بنابراین با وجود حق سلطه و تصرف انسان بر جنین، باید محدوده اخلاقی آن مدنظر قرار گیرد و اعمال این حق به خصوص از انتقال آن برای کسانی که واقعاً با مشکل ناباروری مواجه هستند، مورد استفاده قرار بگیرد، نه افرادی که خواهان داشتن فرزندی با خصوصیات برتر هستند.

### صاحب اختیار جنین‌های آزمایشگاهی

با توجه به مطالب بیان شده، نتیجه‌گیری شد که بین جنین‌های آزمایشگاهی رابطه سلطه و تصرف غیر مالی وجود دارد. با توجه به این که جنین حاصل ترکیب منفعت عضو جنسی زن و مرد می‌باشد، در خصوص این که صاحب اختیار او کیست، اختلاف نظر وجود دارد که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود.

#### تعلق به زن

تئوری کار، متضمن این نظر است که هرکس مستحق نتایج کارش است. این تئوری، پس از کارهای جان لاک، تئوری «lockean» را تشکیل داد (۱۵). لاک معتقد است صاحب اولیه هر شخص، خودش است و کار انجام شده از سوی یک شخص، امتدادی از همان شخص است. بنابراین، حق بهره‌برداری از آن کار، منحصر به همان فرد می‌باشد و هرگاه فردی، کاری در مورد یک کالا انجام دهد، بدان ارزش بخشیده و مالکیت در آن کالا را کسب می‌کند. در نتیجه فرد، منفعت موجهی با افزایش ارزش کارش در آن کالا کسب می‌کند (۱۶).

در واقع تئوری لاک، اختیار یک چیز را از آن نخستین و مهم‌ترین فردی می‌داند که بیش‌ترین کار بدنی را انجام داده است و از آنجایی که در لقاح آزمایشگاهی، زن بیش‌ترین کار را جهت تولید جنین انجام می‌دهد، او را صاحب جنین آزمایشگاهی محسوب می‌کند. البته این تئوری، دارای دو استثناء می‌باشد.

اولین استثناء این می‌باشد که فردی که بیش‌ترین کار را برای چیزی انجام داده، زمانی نسبت به آن محق است که آن را در معرض اتلاف قرار ندهد. بنابراین اگر زن خواهان از بین بردن جنین و مرد خواهان کاشت آن باشد، نظر مرد مقدم می‌شود. استثناء دوم این قاعده، در نظر گرفتن منفعت خصوصی و شخصی است. در برخی موارد بین منافع طرفین تعارض پیش می‌آید. در این مواقع باید تعیین کرد که کدام یک از منافع، منفعت اساسی محسوب می‌شود. گفته شده، چنانچه منفعت خصوصی به طور منطقی بر آزادی منطقی (متعارف) افراد تأثیر بگذارد، اساسی قلمداد می‌شود. موردی را در نظر بگیرید که پس از انجماد جنین،

اوست که از آب بشری آفرید. بنابراین می توان بیان کرد، منشأ خلقت انسان، آب و خاک است که با واژه های مختلف در قرآن بیان شده است (۲۰). دومین مرحله خلقت انسان، نطفه است که در رحم زن قرار گرفته است. واژه نطفه، در آیات مختلفی از قرآن کریم آمده است که همه آن ها درباره انسان می باشد. در آیه ۱۱ سوره فاطر آمده است: «و الله خلقکم من تراب ثم من نطفه». برخی معتقدند منظور از نطفه که در این آیه ذکر شده است، همان سلول جنسی مرد یا اسپرم می باشد و بر اساس قاعده فقهی الزرع للزراع، نطفه شکل گرفته در رحم که همان اسپرم مرد است، به مرد تعلق دارد (۲۱، ۲۲). در ذهن پیشینیان، این احتمال بیشتر به ذهن می آمده، به ویژه وقتی نقش سلول جنسی زن در علم پزشکی، چندان شناخته شده نبود (۲۲). در واقع، در زمان نزول آیات و صدور روایات، مردم به اطلاعات جدید پزشکی که کودک، حاصل لقاح اسپرم و تخمک است، آگاهی نداشتند و رحم زن را صرفاً ظرف رشد جنین می پنداشتند و نقش زن را فقط در محل قرار گرفتن جنین و زاییدن خلاصه می کردند (۲۳). این گروه، جهت تأیید ادعای خویش به چند آیه از قرآن استناد می کنند. نخستین و مهم ترین آیه ای که در این زمینه به آن استناد می شود آیه «ان اماتهم الا اللاتی ولدنهم» (مجادله/۲)، مادر آن ها کسانی اند که اینان را زاده اند، می باشد. بهره برداری از این آیه به گونه ای است که عده ای در بحث مادر جانشین، یعنی مواردی که رحم زن قادر به نگهداری از جنین نیست، لذا جنین متشکله از جنین به رحم زن دیگری انتقال داده می شود، مطلقاً زانی که می زاینند را مادر قلمداد می کنند و نقشی برای تخمک زن قائل نمی باشند. حتی ادعا شده به لحاظ عقلی، فرزند متولد شده هم در نتیجه تخمک و صفات به ارث برده شده از زنان نیست، بلکه فرزند به طور کلی، نتیجه تعامل انسان با محیط است (۲۳).

#### مالکیت فرد به دست آورنده بیشترین منفعت

عقیده پاسنر از تئوری اقتصادی به این گونه می باشد که باید از جنین، به شکلی استفاده کرد که حداکثر منافع و سود به دست آید. در این رابطه که متولد شدن جنین با

زوجین از هم جدا شوند و بعد از آن زن خواهان کاشت جنین در رحم خود باشد، ولی مرد مخالفت کند. در این جا باید دید که منفعت کدام یک از منافع زن و مرد اساسی می باشد؟ انشعابات روانی دانستن این امر که شما در این دنیا فرزند طبیعی دارید، ممکن است برای برخی مردان آزار دهنده باشد و این امر با حق (منفعت) زن جهت کاشت جنین در تعارض است. منفعت خصوصی باید متعارف باشد و اگر به طور متعارف، اعمال منفعت یک طرف به منفعت طرف دیگر صدمه بزند، آن منفعت نباید اعمال شود. بنابراین اگر داشتن فرزند طبیعی برای مرد آزار دهنده باشد، منفعت او چون مرتبط با آزادی اوست، تقدم می یابد. از طرف دیگر، اجبار کردن فرد به پدر شدن، برخلاف اخلاق حسنه نیز می باشد (۱۹).

بنابراین بر اساس این دیدگاه، مادر به دلیل کار بیشتری که برای جنین انجام می دهد، صاحب آن محسوب می شود. اما در اعمال حق مادر، باید به دو استثنای این قاعده توجه کرد.

#### تعلق به مرد

برخی قائل به تعلق جنین ها به مرد هستند. درباره منشأ خلقت جسمانی انسان، قرآن کریم تعابیر متفاوتی را به کار برده است که مجموع آن ها را می توان در سه تعبیر خلاصه کرد. اول؛ واژه خاک «والله خلقکم من تراب ثم من نطفه» (فاطر/۱۱)، خداوند شما را از خاک آفرید، سپس از نطفه ای. بر اساس این آیه، منشأ حیات انسانی به خاک نسبت داده شده است. دوم؛ واژه گل چسبیده، مانند آیه ۱۱ سوره صافات «انا خلقناهم من طین لازب»، یعنی ما آن ها را از گل چسبناک آفریدیم. سوم؛ واژه گل خشک یا سفالین. سوره الرحمن می فرماید: «خلق انسان من صلصال کالفخار»، یعنی آدمی را از گلی خشک چون سفال آفرید. همین تعبیر در آیات ۲۸ و ۳۳ سوره حجر نیز تکرار شده است. همان طور که ملاحظه می شود اگرچه ظاهر این تعابیر متفاوت می باشد، ولی حقیقت آن ها به لحاظ منشأ آفرینش، یک چیز است؛ چرا که اصل گل هم خاک است که با آب ممزوج گشته است. لذا در آیه ۵۹ سوره فرقان آمده است: «هو الذی خلق من الماء بشراً».

ارزش تر است یا استفاده آن در تحقیقات، اختلاف نظر وجود دارد. اما به طور کلی، هدف باید برآوردن رضایت همه شهروندان باشد. در پاسخ به این سؤال، تئوری نتیجه ای، به اخلاق و تعداد افرادی که آسیب می بینند، توجه می کند. یعنی می گوید جنین باید متولد شود. اما تئوری منطقی، به تعداد افرادی که زنده می ماند، توجه می کند. یعنی می گوید اگر جنین در تحقیقات استفاده شود، سودمندتر است. اما تئوری اقتصادی، بحث هزینه فرصت در استفاده از جنین را مطرح می کند. اول این که هزینه فرصت، بهترین استفاده را استفاده ای می داند که حداکثر سود را داشته باشد. بنابراین ممکن است هزینه فرصت، جنین را به فرد در صدد استفاده از جنین ندهد و استفاده به شکل دیگری را سودمندتر بداند. به ویژه این مورد در جایی اهمیت می یابد که فرد، راه متعارف دیگری برای بچه دار شدن دارد. دوم این که اگر جنین به دنیا نیاید، آن چه که از دست می رود، حیات بالقوه ای است که تمام موفقیت ها آن جنین و تأثیرش بر زندگی دیگران را در بر می گیرد. به عبارت دیگر، این جنین بالقوه، ممکن است در آینده یک پزشک یا رئیس جمهور و ... شود و به جامعه سود برساند (۲۴). پاسنر، مخالف از بین بردن جنین است؛ زیرا معتقد است که اسراف هر منبعی که محدود است، کار غیر اخلاقی می باشد.

شایان ذکر است پاسنر هم در جلوگیری از بچه دار شدن ناخواسته، این تحلیل را ارائه می دهد که درست است که متولد شدن جنین از دور ریختن وی سود بیشتری دارد، اما در تحمیل بچه دار شدن ناخواسته، هزینه بیشتر از سود حاصله خواهد بود، پس این حق به اجرا در نمی آید. یعنی به جای اعمال منفعت شخصی به کار برده شده در نظریه اول، به تئوری اقتصادی تمسک جسته است (۱۸). بنابراین، بر اثر این دیدگاه، چون بهترین استفاده از چیزی، به دست آوردن حداکثر سود می باشد، مالکیت را باید از آن کسی دانست که با استفاده او از جنین، سود بیشتری به جامعه می رسد.

### تعلق به هر دوی زوجین

عده ای نیز قائل به این هستند که جنین، متعلق به هر دوی زوجین است. این عده به لحاظ استناد به

دلایل، به دو دسته تقسیم می شوند. عده اول معتقدند نطفه ذکر شده در آیه ۱۱ سوره فاطر، هم به سلول جنسی مرد و هم به سلول جنسی زن اطلاق می گردد. زیرا در قرآن، خلقت انسان به نطفه نسبت داده شده و هر دو سلول جنسی ذکر شده، در تشکیل نطفه تأثیرگذار می باشند (۲۵، ۲۶). عده دوم بیان کرده اند که نطفه به سلول لقاح یافته یا زیگوت اطلاق می گردد. گفته شده این احتمال، به لحاظ تطبیق با یافته های جدید جنین شناسی هم مناسب تر است؛ چرا که زیگوت آغاز حیات انسانی است؛ «تکامل انسان از زمان لقاح شروع می شود و آن هنگامی است که یک گامت نر به یک گامت ماده یا اووسیت می پیوندد و سلول واحدی را به نام زیگوت تشکیل می دهند. این سلول ویژه، تولید کننده و پایه گذار وجود هر یک از ما به عنوان فردی مجزا می باشد» (۲۷). اینان در جهت تأیید ادعای خویش بیان کرده اند که اگر نطفه را به زیگوت تعبیر نکنیم، لازمه اش آن است که قرآن به نقش سلول جنسی زن، در ترکیب با اسپرم، توجه نکرده است، در حالی که این مسأله به لحاظ علمی امری ثابت شده است. این عدم اشاره در قرآن را نمی توان حاکی از نقض قرآن باشد، اما تفسیر منطبق با علم، ارجح است و با دقت در برخی آیات قرآنی، می توان شواهدی را در جهت تأیید این احتمال بیان کرد. همانند آیه ۳۷ سوره قیامت که می فرمایند «الم یکن نطفه من منی یمنی»، یعنی آیا انسان نطفه ای نبود از آبی که فرو ریخته می شود. ظاهر این آیه بین نطفه و اسپرم تفاوت قائل شده است. بدین معنا که چون اسپرم متحرک است و اوویست نامتحرک و پذیرنده آن، قرآن در ایجاد نطفه به سلول جنسی مرد به منزله عامل حرکتی در پیدایش نطفه اشاره کرده است (۲۰). به عبارت دیگر با وجود این که مرد فقط منی خویش را می ریزد، سبب اشاره قرآن، عامل نیرومندی اسپرم در پدید آمدن نطفه و قرار گرفتن در مهبل زن و ترکیب با تخمک می باشد (۲۳). آیه ۲ سوره دهر که فرموده: «انا خلقنا الانسان من نطفه امشاج»، نیز شاهد دیگر بر این ادعاست؛ در این آیه واژه امشاج، که به معنای اخلاط و چیزی است که مخلوط شده است، می باشد،

مرد، کار اصلی را در ایجاد جنین می نماید، فلذا باید جنین را متعلق به وی دانست، شاید از همان تفکر قدیمی مردود برتری مرد بر زن و تفسیر نادرست عده ای از مفسران که بحث کشتزار بودن در آیه ۲۲۳ سوره بقره را تنها به استمتاع جنسی و لذت جویی جسمی از زن محدود می کنند و او را به میزان یک کشتزار تولید نسل تنزل می دهند، نشأت می گیرد. در حالی که نکته باریکی در این تشبیه نهفته است و در حقیقت قرآن کریم می خواهد با این بیان، ضرورت وجود زن در اجتماع انسانی را مجسم کند که زن یک وسیله ارضای شهوت ها نیست؛ بلکه وسیله ای است برای حفظ حیات نوع بشر! همان طور که انسان برای ادامه زندگی به تغذیه نیاز دارد و بدون کشت و زرع مواد غذایی حیات او تأمین نمی شود، برای ادامه نوع خود نیز نیازمند به وجود زن است (۳۲). علامه طباطبایی در این باره می فرماید: «حاصل معنای آیه این است که موقعیت زنان در جامعه انسانی همانند زراعتی است که آدمی برای تحصیل غذایی که مایه حفظ زندگانی و بقاء آن است و نیز برای ابقاء تخم بدن احتیاج دارد. همچنین جامعه انسانی برای دوام نوع و بقاء نسل محتاج به زنان است؛ زیرا خداوند متعال تکون انسان و مصور شدن او را به این صورت در طبیعت رحم قرار داده و طبیعت مردان را که جزئی از آن ماده اصلی در ایشان است، مایل به زنان فرموده و به مردان توصیه کرده، هوا و هوس خویش را با همسر خویش تأمین کنند و تنها به فکر این نباشید که در مزرعه، بذرافشانی کنید؛ بلکه به فکر این باشید که در مزرعه، بذر سالم بپاشید. پس نه تنها به فکر مزرعه باشید و او را مزرعه بدانید و بذر بپاشید و به فکر اطفای غریزه نباشید، بلکه به این فکر باشید که بذر سالم بپاشید. شریک نگیرید؛ مبدا مصداق «و شارکهم فی الاموال و الاولاد ...» باشید، که شیطان در اموال و اولاد شما شریک باشد (۳۳). از آنان که اعتقاد به تعلق صرف جنین به مرد دارند، با این استدلال که کار اصلی را اسپرم می کند باید پرسید که آیا جنین اسپرمی بدون وجود تخمک زن نیز قابلیت ایجاد جنین را دارد؟ بدیهی است که پاسخ به چنین سؤالی منفی است. بنابراین لازمه

صفت نطفه واقع شده است. امشاج جمع مشیج یا مشج است و نطفه مفرد است و از نظر ادبیات عربی، به دلیل این که نطفه می تواند واجد ویژگی های متعدد شود، آوردن صفت جمع برای آن صحیح می باشد (۲۸، ۲۹). در واقع مراد از امشاج، همان زیگوت حاصل از ترکیب اسپرم و تخمک مرد و زن که در اصطلاح متشرعه و فقهی، به نطفه تعبیر می شود. با عنایت به این معنا، آیه به روشنی دلالت می کند که ایجاد انسان مبتنی بر نطفه ای است که مخلوطی از اسپرم و تخمک «دو ماء» می باشد (۲۳، ۳۰). بنابراین بین سلول جنسی مرد و نطفه تفاوت وجود دارد. پروفیسور مور، از محققان بزرگ جنین شناسی هم بر این دیدگاه قرآنی تأکید می کند؛ ایشان معتقدند که خلقت انسان با فعل و انفعالاتی آغاز می شود که در سلول های جنسی مرد و زن پس از لقاح به وجود آمده اند و از نظر علمی حدود شش روز طول می کشد که تکامل یابند (۲۷) و مشارکت زن و مرد در ایجاد جنین به معنای این می باشد که از جهت خونی و ژنتیکی، بین جنین و صاحبان مواد متشکله آن ها بستگی حقوقی وجود دارد (۳۱). در جهت رد ادعای کسانی که قائل به وجود نقش صرف ظرف پرورشی و زاییدن برای زن هستند هم بیان شده است، این آیات حاکی از آن می باشد که معیار پیدایش فرزند از پدر فقط یک عامل یعنی سلول جنسی اوست. اما پیدایش فرزند از مادر بر دو عامل استوار می باشد؛ الف: ارتباط تکوینی و وراثتی که به وسیله تخمک حاصل می شود، ب: ارتباط حملی، ولادتی و حضانتی که به وسیله رحم محقق می شود (۲۳). در خصوص تعلق جنین به هر دوی زوجین، همچنین بیان شده است در خصوص با انتقال جنین، به رضایت هر دو زوج نیاز است؛ چرا که منشأ تکوین جنین، اسپرم و تخمک زن است و جنین متعلق به هر دوست (۲۳).

### نظر برگزیده

دیدگاه سوم، به جنین نگاه اقتصادی داشته است و داشتن جنین نگاهی به جنین غیر اخلاقی است. دیدگاه اول و دوم نیز معقول و منطقی به نظر نمی رسد. برای ایجاد جنین، علاوه ضرورت وجود اسپرم مرد، وجود تخمک زن نیز لازم است و این که گفته می شود اسپرم

ایجاد جنین، علاوه بر اسپرم مرد، تخمک زن نیز می باشد و نباید با چنین استدلالی، چنین حکمی ناعادلانه مقرر نمود. همچنین اینکه گفته می شود چنین جنینی متعلق به مادر است و اختیار انجام هر عمل حقوقی با وی است نیز سخنی افراط گونه است. صرف این که در فرآیند لقاح آزمایشگاهی، زنان نسبت به مردان، رنج و دردهای بیشتری را تحمل می کند، نمی تواند مجوز منطقی تعلق صرف جنین به زن باشد؛ چرا که از یک منظر دیگر می توان به این قضیه نگاه کرد که درست است که مردان به غیر از استرس های مربوط به نتیجه بخش بودن درمان، درد دیگری را تحمل نمی کنند، ولی هزینه کل فرآیند درمان که بسیار گزاف می باشد، به عهده مرد است. ولی تعهد مالی مرد هم نمی تواند مجوز تعلق صرف جنین به او باشد. برای ایجاد جنین، یکی از شرایط و اسباب اصلی لازم در به وجود آمدن آن، تخمک زن می باشد که این تخمک با استفاده و تغذیه از بدن زن ایجاد شده است. لذا نمی توان یک طرفه قضاوت نمود و آن را مال متعلق به مرد دانست و باید از نظریات افراطی و تفریطی دوری جست و نظری معتدل، با در نظر گرفتن واقعیات، در این موضوع خاص ارائه نمود. بنابراین تا جایی که می توان باید تفسیری ارائه داد که برابری زن و مرد حفظ شود، چه اینکه اصل و ریشه و بنیاد چنین دیدی، بر پایه برابری و در نتیجه حفظ کرامت زن بوده و خواهد بود و باید چنین نظریات نامتوازی را تعدیل نمود. قواعد انصاف و بنای عقلا و منطق حقوقی نیز چنین تفسیری را تأیید می نماید که با توجه به ایجاد جنین از اسپرم و تخمک و ضرورت وجود هر دوی آن ها در تشکیل آن، متعلق به هر دو محسوب شود. بنابراین، با توجه به این که هر یک از زوجین در پیدایش جنین نقش دارند، هر دوی آن ها نسبت به جنین دارای حق است.

شایان ذکر است پذیرش تعلق جنین به هر دوی زوجین، نتیجه رضایت طرفینی را جهت انجام اعمال حقوقی مجاز نسبت به جنین را بار می آورد. اما عده ای بیان کرده اند که این حق تصمیم گیری دوفره، در برخی موارد، منجر به بی عدالتی نسبت به یکی از طرفین می شود. موردی را در نظر بگیرید که زن و مرد

به دلیل ابتلاء زن به سرطان، جنین تشکیل داده و آن را فریز می کنند. لیکن آن ها بعد از درمان سرطان از هم جدا می شوند. زن که قدرت تخمک گذاری خود را به دلیل درمان های ناشی از پرتودرمانی و شیمی درمانی از دست داده است، به لحاظ اهمیت ارتباط ژنتیکی بین خود و فرزند، به عنوان آخرین امید، خواستار انتقال جنین به خود است. حال اگر مرد با این انتقال مخالف باشد، باید چه تصمیمی گرفت؟ به طور قانونی، از آنجایی که جنین متعلق به هردوی زوجین است و باید انتقالش با رضایت طرفینی باشد، به زن حق انتقال داده نمی شود. توجیه دیگر این تصمیم این است که برای برخی از افراد، تصور این که فرزندی از آن ها در این دنیا وجود دارد، عذاب آور است و حتی برخی از افراد می ترسند با رضایت به انتقال جنین، خطر کودکی که در آینده، در جستجوی پدر خویش می باشد افزایش یابد و چه بسا، منجر به بروز مشکلاتی برای زندگی جدیدی که فرد تشکیل داده شود. البته اقلیت صاحب نظران، در حال حاضر موافق به ارائه حمایت بیشتر به این زنان هستند و پیشنهاد می کنند که زنان، حتی پس از جدایی از همسر خود باید قادر به داشتن فرزند از طریق جنین های منجمد باشند.

باید بیان کرد نظر اقلیت به لحاظ اخلاقی در مواردی که یکی از طرفین تا پایان عمر خود توانایی بچه دار شدن خود را از دست می دهد و تنها شانس داشتن یک فرزند بیولوژیکی به استفاده از جنین منجمد محدود می شود، قابل قبول است، ولی قدرت مقابله با مسائل حقوقی (مال مشترک بودن) را ندارد. برای حل این مشکل، پیشنهاد شده است یک راه حل می تواند اعمال جریمه برای محروم سازی همسر سابق از شانس او برای داشتن فرزند باشد. راه حل دیگر می تواند بازنویسی ساده اسناد و مدارک حقوقی باشد که زوجین باید پیش از ایجاد جنین و فریز آن توسط فناوری باروری حمایت شده امضاء کنند؛ به این صورت که در قراردادشان، به طرفی که توانایی باروری خود را از دست داده، حق استفاده از جنین داده شود و در عین حال هر یک از آن ها باید موافقت کنند که اگر پس از قطع رابطه، تصمیم به انتقال بگیرد، طرف دیگر به طور

انتقال نیز نظم عمومی اقتضا می کند این اختیار منجر به شکل گیری نهادهای سودآور خرید و فروش جنین نگردد و انتقال فقط طی ضوابط قانونی و به متقاضیانی که با مشکل ناباروری رو به رو هستند ارائه گردد نه کسانی که خواهان داشتن فرزندی با ویژگی برترند.

در خصوص این که جنین های متعلق به چه کسی می باشد باید جنین را به لحاظ شکل گیری از هر دو سلول جنسی مرد و زن، متعلق به هر دوی زوجین قلمداد نمود.

### تشکر و قدردانی

بدین وسیله از تمامی کسانی که در نگارش این مقاله که حاصل پایان نامه است و از موسسه رویان که در تهیه و نگارش آن همکاری نموده است تشکر و قدردانی می شود.

کامل از تمام مسئولیت های مالی و حقوقی معاف شود و هر یک از آن ها باید ناشناسی کامل برای طرف غایب را تضمین کند و باید مجازات های سنگینی وجود داشته باشند تا در صورت نقض قرارداد ناشناسی به شدت اجرا شود (۳۴).

### نتیجه گیری

در خصوص رابطه بین انسان و جنین پذیرش رابطه مالکیت منجر به تصور کالاشدگی از جنین می شود که به جهت قابلیت بالقوه جنین در تبدیل شدن به انسان امری خلاف اخلاق حسنه می باشد، نمی توان قائل به وجود رابطه مالکیت بین جنین های آزمایشگاهی و زوجین شد. به نظر می رسد باید رابطه موجود را نوعی رابطه سلطه و تصرف غیر مالی بین انسان و جنین قلمداد نمود. در واقع، اختیار زوجین نسبت به جنین به این موارد محدود می شود که شامل: ایجاد، فریز، انتقال به بدن، اهدا، از بین بردن می باشد. همچنین در بحث

### منابع

- Javadi Amoli A. Rights and duties in islam. 2nd ed. Qum: Asra; 2007. p.69.
- Rajaayi F, Mohaghegh Damad M, Mousavi MS. Fegh-hi and legal analysis of communication of human with his body. Islamic Law and Fegh-h 2012; 1(2):45-62.
- Tohidi MA. Mesbah Al-Feghahe, (Seyyed Abolghasem Khoyi Manuscripts). 2nd ed. Qum: Maktabe Al-Davari; 1999. p.34.
- Hadavi MM. Bey Al-Aza Al-Ensanva Habatoha. 2nd ed. Qum: Al-Fekr Al-Eslami; 1999. p.78.
- Khoyi A. Mesbahol Feghahe Fel-Moamelat ( Mohammad Ali Tohidi). 2nd ed. Qum: Maktabatol-Heidari; 2009. p.20
- Mousavi Bojnourdi M, Kazemi Afshar H. Body Organs Transaction in Iranian Law in the light of Imam Khomeini's views, Matin J 2008; 2(38):37-52.
- Asghari Aghmashhadi F, Kazemi Afshar H. The manner of human's communication with his body organs from the view of islamic jurisprudence and law. Islamic Jurisprudence 2009; 1(1):33-45.
- Mohaghegh Damad M. Rules of Fegh-h. 3th ed. Qum: New Ideas in Islamic Sciences; 1992. p.32.
- Shahidi M. Formation of contracts and obligation. first edition. Tehran: Hughughdan Publication; 1999. p.327.
- Hosseini Rouhani MS. Feghh Al-Sadegh. 3 ed. Tehran: Imam Sadegh School; 1993. p.207
- Safayi H. Persons and Persons under Legal Incapacities. 6 ed. Tehran: Mizan Publication; 2005. P.25.
- Khomeini R. Tahrir Al-Vasile. 2nd ed. Qum: Dar Al-Alam Press Institution; 1964. p.41.
- Mohaghegh Damad M. Rules of Fegh-h: Civil Law. First ed. Tehran: Samt Publication; 1995. p.107.
- Sills ES, Murphy SE. Determining the status of non-transferred embryos in Ireland: a conspectus of case law and implications for clinical IVF practice. Philos Ethics Humanit Med 2009; 4(8):4-9 .
- Dukeminer J. Krier J. Property, New York: Aspen Law & Business; 1998. P.15-17 .
- Hughes J. Philosophy of Intellectual Property. Northampton, USA: Edward Elgar publishing; 1993. PP.287-289.
- Jackson ML. Fatherhood and the law: reproductive right and responsibilities of men. Tex J Women Law 1999; 9(1):53 .
- Petralia SR. Resolving disputes over excess embryo through the confines of property and contract law. J law Health 2002; 17(1):103-136.
- Schuster TG, Hickner-Cruz K, Ohl DA, Goldman E, Smith GD. Legal consideration for cryopreservation of sperm and embryos. Fertil Steril 2003; 80(1):61-66.
- Ebrahimi M, Fazel A. A new Glance at Embryology Phenomenon in Light of Scientific

- Interpretation of Quran. J Relig Thou Shiraz Univ 2012; 12(42):75-91.
21. Tabatabaei MH, Al-Mizan FR. Tafsir Quran. Qum: Alami Institution; 1986. p.121.
  22. Kashani F, Tafsir Menhajo ASaadeghin. Mohammad HasanElmi Publication; 1958.p. 79.
  23. Salimi S. New Approaches of Human Reproduction in Prospect of Fegh-H and Law. 3 ed. Tehran: Research Center of Avicenna; 2010. p.5-333.
  24. Rosendorf DL. Homelessness and the uses of theory: An analysis of economic and personality theories of property in the context of voting Rights and sauatting Right. U Mlamil Rev 1990; 45(71):705-709.
  25. Sabzevari Najafi M, Al-Jadid FR. Tafsir Quran. First ed. Qum: Dar Al-Tarof le Matboat; 1987. p.281.
  26. Ghorshi A. Ghamous-e-Quran. 14 ed. Qum: Dar Al-ketab Al-eslamieh; 2005. p.78.
  27. Moore KL, Persuad VN. The Developing Human: Clinically Oriented Embryology, translators: Ali Reza Fazel and others. first ed. Mashhad: The University of Medical Science Publication; 2006. p.32.
  28. Zamashkhari M, Al-Kashefan HG. Al-Tanzil. 3 ed. New York: Dar Al-Ketab Al-arabi; 1988. p.666.
  29. Ameli A, Al-Vajiz FR. Tafsir Quran Al-Aziz. 2nd ed. Qum: Dar Al-Quran; 1994. P.329.
  30. Ebnghotb. SF. Zelale Quran. 17th ed. Qum: Dar Al-Shargh; 1993. P.377.
  31. Gorji. A. Comparative study of family law. 3 ed. Tehran: The University of Tehran Publication; 2014. P.441.
  32. Makarem Shirazi N. Tafsir Nemouneh. 27th ed. Qum: Dar al-Kitab al-Eslami; 1997. P.96.
  33. Tabatabaei MH, Al-Mizan F. Tafsir Quran. 2nd ed. Tehran: Publication office of lecturers society; 1998.P. p.212.
  34. Bennett F, Edwards RG. Frozen Embryos Discarded in Court Decision, Reproductive. Bio Med 2013; 7(5):593-595.